

نگاهی به klären- و پیشندهای آن

سلام دوستان،

در این درس می خواهیم باهم نگاهی داشته باشیم به **klären-** و افعالی که می توان توسط آن ساخت.

قبل از هرچیز باید بدانیم که خود **klären** به تنهایی یک فعل است.

klären

شفاف کردن ، زلال کردن ، ابهامات را برطرف کردن ، روشن و آشکار ساختن

<http://de.alemani.de/wp-content/uploads/2018/07/klären.mp3>

گذشته ساده : klärten

گذشته کامل : haben geklärt

durch Untersuchungen oder Gespräche feststellen, wie etwas wirklich war bzw. ist

توسط آزمایشات یا گفتگو ها متوجه بشویم چیزی واقعاً چگونه بوده یا اینکه است

توجه داشته باشید که در مثال بالا گفتم ، توسط چیزی ، پس این یعنی فعل klären می تواند به همراه حرف اضافه durch در جملات مورد استفاده قرار بگیرد ، به زبان ساده تر اینکه ما همیشه durch (توسط یا بواسطه چیزی) می توانیم klären کنیم ، به مثال زیر توجه کنید :

Wir müssen unsere Meinungsverschiedenheiten **durch** ein offenes Gespräch **klären**

ما باید اختلاف نظر هایمان را **به وسیله** یا **توسط** یک گفتگوی بی پرده **روشن و آشکار** سازیم

eine Frage klären

یک پرسش یا سوال را شفاف و روشن ساختن

die Unfallursache muss noch **geklärt** werden

دلیل تصادف هم باید روشن شود یا معلوم بشه

آن چیز یا چیزهای که باعث شده اند یک تصادف صورت بگیرد ، باید آشکار یا روشن بشود در فارسی گفته می شود معلوم بشود.

اما همین klären- می تواند به پیشوندهای ترکیب شود و افعال جدیدی بسازد که معانی متفاوتی نیز داشته باشند، ما در این درس می خواهیم آن افعال را مورد بررسی قرار دهیم.

اولین فعل ما erklären است که از ترکیب klären- با پیشوند er ساخته می شود:

erklären یک فعل جداشدنی نیست!

توضیح دادن ، شرح دادن ، توصیف کردن ، دلیل آوردن ، اظهار کردن

<http://de.alemani.de/wp-content/uploads/2018/07/erklären.mp3>

erklärten : گذشته ساده

haben erklärt : گذشته کامل

etwas deutlich machen

چیزی را واضح یا روشن تر کردن

گفتیم چیزی را ، پس فعل erklären یک فعل Akkusativ ساز است ، زیرا ما همواره می توئیم etwas (چیزی را) erklären کنیم. اما توجه داشته باشید که Dativ را نیز به همراه دارد ، یعنی اینکه ما می توانیم jemandem به کسی etwas چیزی را erklären شرح دهیم یا توضیح دهیم یا در تفکر فارسی : برایش شرح دهیم.

erklären +D +A

Könntest du **mir** noch einmal **den Unterschied** zwischen Konjunktiv I und Konjunktiv II **erklären**?

امکان داره (همیشه) تو یکبار دیگر تفاوتِ میان کنیونکتیو یک و کنیونکتیو دو را به من شرح بدهی □

نکته بسیار بسیار مهم : چنانچه در جمله هم اکوزاتیو داشته باشیم و هم داتیو ، در تفکر فارسی ما ابتدا اکوزاتیو را استفاده میکنیم و سپس داتیو را ، اما در تفکر آلمانی باید بدانیم که در بیشتر مواقع می بایستی ابتدا از Dativ و پس از آن از Akkusativ استفاده کنیم ، درست همانند مثال بالا

etwas genau **erklären**

چیزی را دقیق توضیح دادن

ein Bild **erklären**

یک عکس یا تصویر را توصیف کردن

Sie **erklärte mir**, warum sie nicht kommen könne

او (مونث) به من شرح داد یا اضهار کرد ، (که) چرا نتوانست بیاد

به عنوان اصطلاح :

Ich kann mir dein Verhalten nicht **erklären** (verstehe es nicht)

من رفتار تو را نمی توانم توصیف کنم (درکش نمی کنم)

یعنی دلیل رفتاری که داری رو نمی تونم متوجه بشم ، بفهمم یا درکش کنم.

دومین فعل ما فعل **abklären** است که یک فعل جداشدنی می باشد.

به معنی : مطلبی را روشن ساختن

klären ab : گذشته ساده :

haben abgeklärt : گذشته کامل :

Ich will erst noch **abklären**, wann meine Kollegen Urlaub nehmen wollen, bevor ich eine Reise buche

من می خواهم قبل از اینکه یک مسافرت را ثبت کنم (رزرو کنم) در ابتدا **مطلبی را روشن سازم** (که) چه زمانی همکاران به می خواهند به تعطیلات بروند

یعنی در ابتدا یا قبل از اینکه چیزی را رزرو کنیم ، می خواهیم این موضوع یا مطلب را مشخص کنیم که چه زمانی همکارانمان می خواهند به تعطیلات بروند.

aufklären یک فعل جداشدنی می باشد.

فاش کردن حقایق و آنها را به اطلاع دیگران رساندن ، بر طرف شدن ابرها و باز شدن هوا , از اشتباه در آوردن

<http://de.alemani.de/wp-content/uploads/2018/07/aufklären.mp3>

klären auf : گذشته ساده :

haben aufgeklärt : گذشته کامل :

ein Verbrechen **aufklären**

یک جنایت یا جرم را **فاش کردن**

Der Arzt hat den Patienten vor der Operation über alle Risiken **aufgeklärt**

پزشک قبل از عمل جراحی آن بیمار را در مورد تمام ریسک های آن عمل جراحی یا خطرات آن عمل جراحی **آگاه ساخت**

یعنی تمام واقعیت را فاش کرد و تمام خطرات آن عمل جراحی را قبل از عمل به اطلاع بیمار رساند.

verklären یک فعل جداشدنی نیست!

اجازه بدیم یا بگذاریم چیزی بهتر و زیباتر نمایان شود ، اضهار نظری را زیباتر و بهتر بیان کردن یا شرح دادن

گذشته ساده : verklärten

گذشته کامل : haben verklärt

Ich neige dazu, meine Studienzeit in Schottland zu **verklären**

من تمایل به این دارم ، (که) دوران تحصیل ام در اسکاتلند را زیباتر و بهتر شرح بدهم

ein Lächeln **verklärte** ihr Gesicht

یک لبخند چهره تان را زیباتر و بهتر میکرد

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de